

رابطه اکل مال به باطل با خودکشی با توجه به آیه ۲۹ سوره نساء

سید علی حسینی^۱

امیرحسین صمدی^۲

چکیده

قرآن کریم توجه ویژه‌ای به موضوع تعاملات انسان‌ها با یکدیگر و با خودشان دارد. و راهکارهایی را برای رفع معضلاتی که به واسطه تعاملات ناصحیح انسان‌ها با یکدیگر و با خودشان به وجود می‌آید ارائه می‌دهد. یکی از راه‌هایی که به نظر می‌رسد که قرآن برای مسئله دوری از خودکشی مطرح می‌کند در آیه ۲۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل [نامشروع] نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما، انجام گیرد و خودکشی مکنید.» در این آیه خداوند خودکشی را که امروزه یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب می‌شود و طبق آمار سال ۱۳۹۶ به عدد ۵ نفر در هر صدهزار نفر رسیده است، مطرح کرده و به نظر می‌رسد که این مسئله با مسئله لقمه حرام که در اول آیه مطرح شده، ارتباط داشته باشد. این مقاله به روش تحلیلی، به این نتیجه رسیده است که اکل مال به باطل، یکی از عوامل خودکشی محسوب می‌شود؛ چرا که لقمه حرام موجب سبک شمردن نماز می‌شود؛ سبک شمردن نماز افسردگی و اضطراب می‌آورد و افسردگی یکی از مهم‌ترین عوامل خودکشی محسوب می‌شود.

کلیدواژه

اکل مال به باطل، لقمه حرام، سبک شمردن نماز، افسردگی و اضطراب، خودکشی

^۱. طلبه پایه دوم، مدرسه علمیه فیضیه مازندران، بابل.

^۲. طلبه پایه سوم، مدرسه علمیه فیضیه مازندران، بابل.

دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است و در کتاب آسمانی آن برنامه‌های زیادی برای ترقی انسان بیان شده است. این برنامه‌ها همه شئون زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرند. شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان مسئله زندگی اجتماعی و تعامل انسان‌ها با همدیگر و یا با خودشان باشد. قرآن کریم برای پیشگیری و رفع معضلات اجتماعی که ناشی از تعاملات نادرست انسان با خود و دیگران است، راهکارهایی نشان می‌دهد.

برای نمونه، در سوره نساء، آیه ۲۹، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل [نامشروع] نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است.» در این آیه به موضوعات گوناگونی اشاره شده است که دو مورد آن اکل مال به باطل و خودکشی است. از آنجا که خداوند همه کلمات و ترتیب آن‌ها را در قرآن هدفمند انتخاب کرده، می‌توان این گونه برداشت کرد که بین اکل مال به باطل و خودکشی رابطه‌ای وجود دارد.

اکل مال به باطل آن است که انسان بی آنکه فعالیت مثبتی داشته باشد مال باد آورده‌ای را تملک کند. افرادی را که در شاخه‌های اول قرار می‌گیرند بی‌آنکه کار مهمی انجام داده باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می‌کنند و افراد شاخه‌های پایانی مال باختگان واقعی هستند.

خودکشی یعنی انسان با عملی خطرناک بر جان و نفس خود آسیب برساند و حیاتی را که خداوند در دنیا به او عطا کرده قطع کند و به نظر مراجع و فقیهان این عمل گناه کبیره است. طبق آمار سال ۱۳۹۶ تعداد خودکشی در ایران از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۵ نفر است. هر چند این مقدار نصف مقدار آمار جهانی است، اما زیننده یک کشور اسلامی نیست. برای کاهش این آمار در کشور جمهوری اسلامی

ایران لازم است تا در مرحله اول عامل‌های آن شناسایی شود. از این رو، مقاله پیش رو به بررسی یکی از عامل‌های خودکشی از طریق آیه یاد شده می‌پردازد.

با توجه به مفهوم و سیاق آیه، این مقاله در صدد کشف رابطه بین اکل مال به باطل و خودکشی است. موضوع این پژوهش، نحوه ارتباط اکل مال به باطل، با خودکشی است. **نتیجه این پژوهش**، یعنی ارتباط بین حرام‌خواری با خودکشی از روش‌های گوناگونی بدست می‌آید؛ اما این پژوهش به مقتضای حجم آن، تنها یک راه را برای اثبات ارتباط بین این دو پدیده بررسی می‌کند.

این مقاله، به روش تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، پس از توضیح اکل مال به باطل، یکی از پیامدهای حرام‌خواری را که سبک شمردن نماز است تبیین می‌کند، سپس تأثیر سبک شمردن نماز را در از بین رفتن آرامش بررسی می‌کند و در پایان نقش افسردگی را، به عنوان مهم‌ترین عامل خودکشی در جهان مطرح می‌کند.

اکل مال به باطل

به تصرف غیر مجاز در مال دیگران و سرمایه‌ای که از راه‌های مختلف غیر شرعی، مانند کسب درآمد از فروش اجناسی که خرید و فروش آن‌ها خلاف شرع مقدس است، مانند فروش مشروبات الکلی، مواد مخدر، ابزار و آلات موسیقی، معامله با سرمایه مخلوط به حرام که حق تصرف در آن را نداریم، خرید و فروش اجناسی که برای سلامت جامعه مضر است و ...، کسب **مال حرام می‌گویند** که از آن به خوردن مال حرام یا همان لقمه حرام یاد می‌شود و اثرهایی را در پی دارد که می‌توان آن‌ها را با وضوح و تأکید در منابع دینی و کلام بزرگان دین مشاهده کرد. (مسعودی، ۱۳۹۱)

مال حرام به سبب تاثیر منفی که در زندگی بشر دارد، یکی از بحث‌های مهم در فقه زندگی است؛ چرا که انسان باید در این حوزه بیشترین توجه و دقت را داشته باشد تا زندگی پاک و سالمی در دنیا داشته باشد و مسیر کمال را به خوبی بپیماید.

انسان‌ها در سایه اقتصاد سالم، می‌توانند بسترهای رشد و کمال خود را فراهم کنند. تحصیل مال، امری مطلوب است؛ زیرا مقتضای زندگی دنیوی و مادی آن است که انسان امکاناتی را برای آسایش خود فراهم کند و نیازهای مادی خود را تأمین کند. از این رو در آموزه‌های اسلامی، تحصیل مال مشروع و پاکیزه، همانند جهاد در راه خدا دانسته شده است؛ زیرا پاسخگویی به نیازهای مادی و جنبه‌های دنیوی، امری لازم و ضروری است.

از نظر قرآن، مال و ثروت زینت زندگی دنیا برای انسان‌هاست (آل عمران، آیه ۱۴؛ کهف، آیه ۴۶؛ قصص، آیات ۶۰ و ۷۹؛ احزاب، آیه ۲۸) همین امر موجب می‌شود که انسان به سبب علاقه به زینت‌ها به جمع آوری مال بپردازد و از تحصیل آن لذت ببرد.

اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که انسان به خطا و اشتباه، گمان می‌کند که تأمین و تحصیل نیازهای مادی و جمع آوری و زیاد کردن مال، هدف اصلی است و تمام همت و تلاش خود را صرف تحصیل و تأمین آن می‌کند. این گونه است که مسیر نادرستی را انتخاب می‌کند تا مال بیشتری را کسب کند. برخی از مردم نه تنها تمام همت خود را برای تحصیل مال می‌گذارند، بلکه به راه‌های حلال و مشروع بسنده نمی‌کنند و با سوگند دروغ (بقره، آیه ۱۸۸)، پرداخت مال رشوه به قاضی‌ها برای دست یابی به اموال دیگران (بقره، آیه ۱۸۸)، تجاوز به اموال یتیمان، تصرف ناحق در اموال دیگران (نساء، آیات ۲۹ و ۳۰)، و مانند آن می‌خواهند تا مال بیشتری گرد آورده و در اختیار داشته باشند؛ بنابراین گرایش انسان به مال و تحصیل آن امری طبیعی است؛ زیرا انسان می‌خواهد به نیازهای مادی و دنیوی خود از جمله تغذیه و آسایش پاسخ دهد و از امنیت غذایی و سرپناه و جسم و جان سالم بهره ببرد؛ اما تصویر نادرست از هستی و هدف‌ها و فلسفه آفرینش موجب می‌شود تا برخی به جنبه مادی زندگی، اصالت بخشیده و زندگی را در همین محدوده دنیای فانی و مدت کوتاه عمر خلاصه کنند و بر همین اساس گرفتار احساس جاودانگی کاذب در سایه مال و ثروت می‌شوند. (همزه،

آیات ۱ تا ۴)، از این رو گرفتار جمع آوری و زیاد کردن مال می‌شوند و تا لحظه مرگ نیز از تحصیل آن دست برنمی‌دارند. (تکاثر، آیات ۱ و ۲)

خداوند در آیه‌هایی از قرآن کریم (۲۰ سوره فجر و ۶ و ۸ سوره عادیات)، به حرص طبیعی انسان و آزمندی او نسبت به مال و ثروت اشاره می‌کند و می‌گوید که انسان، آن چنان حرص جمع آوری مال و ثروت را دارد که حلال و حرام و پاک و ناپاک را درهم می‌آمیزد و مصرف می‌کند. (همان و نیز نساء، آیه ۱۲۸؛ فصلت، آیه ۴۹؛ معارج، آیه ۱۹)

هرچند که کارکرد مال تنها در تغذیه خلاصه نمی‌شود، بلکه حوزه‌های دیگری از نیازهای مادی بشر را نیز در بر می‌گیرد، ولی باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از نیازهای تغذیه انسان با کسب مال امکان پذیر است؛ بنابراین، انسان برای پاسخگویی به ابتدایی‌ترین نیازهای مادی و جسمی خود به تحصیل مال نیاز دارد. از این رو خداوند، دارایی و مال را برای انسان، خیر می‌داند؛ زیرا خیر، آن چیزی است که انسان برای رسیدن به کمالات خود، بدان نیاز دارد. مال نیز، چون جسم انسان را برای حمل روح و روان تقویت می‌کند و اجازه عبودیت و عبادت را به او می‌دهد و زمینه رشد بشر را فراهم می‌کند، به عنوان خیر معرفی شده است. (بقره، آیات ۱۸۰ و ۲۱۵، ۲۷۲ و ۲۷۳؛ کهف، آیه ۹۵؛ حج، آیه ۱۱)

اما لقمه حرام پیامدهای زیادی به دنبال دارد که برای نمونه به یک پیامد آن اشاره می‌شود:

کم ارزش شدن نماز

نماز ستون دین و ملاک قبولی همه اعمال ما نزد خداوند باری تعالی است که امام صادق (علیه السلام) نیز در روایتی می‌فرمایند: «أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ سَائِرِ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»؛ نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می‌شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شود اعمال دیگرش نیز پذیرفته می‌شود، و چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲)

و نماز، افضل واجبات است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۵)، بهترین وسیله تقرب به خداوند است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۵۵)، معراج مؤمن است (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۲۹)، نشانه ایمان است (قضاعی، ۱۳۹۵، ص ۵۹)، نور مؤمن است (نهج الفصاحه، ص ۳۹۶؛ قضاعی، ۱۳۹۵، ص ۵۰)، ستون دین است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۷، ج ۵، ص ۳۷۰)، پرچم اسلام است (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۷۹)، سیمای دین است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۲۲۷)، وصیت امیر المؤمنین، علی (علیه السلام) است (نهج البلاغه، نامه ۴۷)، کلید بهشت است (نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۸۸)، روشنایی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۱۹۳)، بهترین اعمال در قیامت است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۷)، روش پیامبران است (بروجردی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۲، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۲۳۱)، سفره الهی است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۰)، رأس اسلام است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۲۷)، آخرین سفارش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴، ص ۲۳۶)، بهترین عبادت است (بروجردی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۰)، نیکوترین صورت خلق است (بروجردی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۰)، باقیات الصالحات است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۲)، عطیه الهی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴، ص ۲۴۶)، وسیله استجاب دعا است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۱)، عامل رستگاری است (برقی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۷)، عامل علو درجه است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۲۳۲)؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۲)، زاد و توشه مؤمن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۲۳۲)، سلاح مؤمن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۵۶ و ۲۳۱)، رحمت الهی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۱) و جواز عبور از صراط است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۱۶۸)

اگر انسان توجه نکند، با لقمه‌ای حرام همه این فضیلت‌ها را از دست می‌دهد و به جای آن خود را گرفتار پیامدهای شوم و آینده سوز لقمه حرام می‌کند. شاهد بر این مسئله حدیثی شریف از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛ وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ كُلُّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ»؛ نماز کسی که لقمه‌اش

حرام است تا چهل روز ارزش چندانی ندارد؛ و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۳۱۴)

این روایات ثابت می‌کنند که لقمه حرام موجب می‌شود که خداوند نماز انسان را قبول نکند؛ و چون این نماز در پیشگاه خداوند مقبول نیست، طبیعتاً در نگاه انسان سبک خواهد شد.

پیامد سبک شمردن نماز

در باب پیامدهای سبک شمردن نماز، روایتی از حضرت ختمی مرتبت، به نقل از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نقل شده است^۱ که بسیار تکان دهنده است. «حضرت زهرا (سلام الله علیها) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، پرسیدند: کسی که نمازش را سبک می‌شمارد، چه زن باشد و چه مرد، چه سرنوشتی دارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یا فاطمه خدا مرد و یا زنی که نمازش را سبک بشمارد به ۱۵ خصلت مبتلا می‌کند، شش تا در زندگی دنیا و سه تا در هنگام مرگ و سه تا در قبر و برزخ و سه تای دیگر در قیامت است، هنگامی که از قبرش خارج می‌شود؛ اما شش خصلتی که خدا در دنیا برای کسی که نماز را کوچک می‌شمارند، پیش می‌آورد: ۱. خدا برکت را از عمر او برمی‌دارد؛ ۲. برکت را از روزی‌اش بر می‌دارد؛ ۳. خدای متعال سیمای صالحان را از او

۱. فَلَاحِ السَّائِلِ، أَرَوَى بِحَدِّثِ الْإِسْنَادِ عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ابْنَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَعَلَى أَبِيهَا وَعَلَى بَعْضِهَا وَعَلَى أَبْنَائِهَا الْأَوْصِيَاءِ أَنَّهَا سَأَلَتْ أَبَاهَا مُحَمَّدًا ص فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهْلَوْنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصْلَةً سِتُّ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَثَلَاثٌ فِي قَبْرِهِ وَثَلَاثٌ فِي الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأَمَّا اللُّوَاتِي تَصِيبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَالْأُولَى يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ عَمْرِهِ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ رِزْقِهِ وَ يَمْحُو اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَ كُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَرْتَفِعُ دَعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ السَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حِظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ وَ أَمَّا اللُّوَاتِي تَصِيبُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَ الثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَانِعًا وَ الثَّلَاثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْ عَطْشُهُ وَ أَمَّا اللُّوَاتِي تَصِيبُهُ فِي قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَرْعِيهِ فِي قَبْرِهِ وَ الثَّانِيَةُ يَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ الثَّلَاثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ وَ أَمَّا اللُّوَاتِي تَصِيبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنْ يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ الثَّانِيَةُ يَحْسَبُ حِسَابًا شَدِيدًا وَ الثَّلَاثَةُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ لَا يَرْكَبُهُ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

می‌گیرد؛ ۴. هر عمل خیری که انجام می‌دهد، اجری به آن داده نمی‌شود؛ ۵. دعای او مستجاب نمی‌شود؛ ۶. از دعای صالحان بهره نمی‌برد.

و اما سه خصلت که در هنگام مرگش به او می‌رسد: ۱. مرگش خفت‌بار می‌شود؛ ۲. موقع مرگ گرسنه می‌شود؛ ۳. در هنگام مرگ در حال تشنگی است؛

اما سه خصلت دیگر که در قبر و برزخ به او می‌رسد این است که: ۱. خدا فرشته‌ای را موکل می‌کند که در قبرش او را عذاب می‌دهد؛ ۲. عالم قبرش برای او تنگ می‌شود؛ ۳. عالم قبرش برای او ظلمانی می‌شود.

اما آن سه خصلت دیگر که در روز قیامت برایش پیش می‌آید: ۱. خدا فرشته‌ای را موکل می‌کند که او را به رو ببرد؛ ۲. هنگام حساب، حساب شدیدی از او می‌کشند؛ ۳. خدا به او توجه نمی‌کند و او را پاک نمی‌کند و به عذاب دردناکی دچار می‌شود. «بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۸۰؛ ص (۲۱)

فاطمه طباطبایی در خاطرات خود اینطور می‌گوید یک بار که با آقا امام خمینی (ره) نشستیم و صحبت می‌کردیم به ایشان گفتم: سبک شمردن نماز^۱ در روایت امام صادق (علیه السلام) شاید به این معناست که شخص نمازش را یک بار بخواند و یک بار نخواند، آقا گفت: خیر اینکه خلاف شرع است. منظور امام صادق (علیه السلام) این است که به طور مثال اگر هنگام نماز ظهر است، فرد به کار دیگری مشغول است و آن کار را به نماز ترجیح داده است و به همین دلیل نماز را سبک شمرده است. (رجایی، ۱۳۹۲)

روایت یاد شده نهایت زشتی سبک شمردن نماز را بیان می‌کند؛ با مراجعه به قرآن کریم، پیامد دیگری نیز برای سبک شمردن نماز می‌توان یافت، و آن از دست دادن آرامش و مبتلا شدن انسان به پریشانی و افسردگی است. توضیح این مطلب این است که:

^۱ اشاره به این حدیث امام صادق علیه است که «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ؛ کسی که نماز را سبک بشمارد هرگز شفاعت ما اهل بیت (ع) به او نخواهد رسید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۶)

خداوند در آیه ۲۸ سوره رعد می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». انسان، بی‌نهایت طلب است و کمال مطلق می‌خواهد، ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی‌گرداند. ممکن است معنای «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» این باشد که با ذکر و یادی که خدا از شما می‌کند، دل‌هایتان آرام می‌گیرد؛ یعنی اگر بدانیم خداوند ما را یاد می‌کند و ما در محضر او هستیم، دل‌هایمان آرامش می‌یابد. چنانکه حضرت نوح (علیه السلام) با کلام الهی «أَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» (هود، ۳۷) آرام گرفت و امام حسین (علیه السلام)، هنگام شهادت فرزندشان حضرت علی اصغر (علیه السلام) با عبارت «هون علی ما نزل بی انه بعین الله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۴۶) این آرامش را ابراز کرد. همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، ۱۲۴)؛ کسی که از یاد خدا غافل است، آرامش ندارد و زندگی بدون آرامش زندگی نکبت باری است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۵۵)

یکی از فراگیرترین بیماری‌های قرن حاضر، پریشانی و افسردگی است. برای این بیماری که علامت‌هایی همچون انزوای طلبی، در خود فرو رفتن، خودکم‌بینی و بیهوده انگاری دارد، دلیل‌های بسیاری را ذکر کرده‌اند، از جمله:

- شخص افسرده از اینکه همه چیز را مطابق میل خود نمی‌بیند افسرده شده است، در حالی که ما نباید بخاطر اینکه به همه آنچه می‌خواهیم، نرسیدیم، از مقدار ممکن آن هم دست برداریم و تسلیم شویم.

- شخص افسرده با خود فکر می‌کند که چرا همه مردم مرا دوست ندارند و حال آنکه این امر غیر ممکن است و حتی خدا و جبرئیل هم دشمن دارند، لذا انسان نباید توقع داشته باشد که همه او را دوست داشته باشند.

- شخص افسرده گمان می‌کند که همه مردم بد هستند، در صورتی که چنین نیست و خداوند به فرشتگانی که این توهّم را داشتند پاسخ داد.

- شخص افسرده گمان می‌کند که همه ناگواری‌ها از بیرون وجود اوست، در حالیکه عمده تلخی‌ها، عکس‌العمل و پاسخ خصلت‌ها و کردارهای خود ماست.
- شخص پریشان از شروع کارها نگران است و احساس ترس و تنهایی می‌کند.
- شخص پریشان نگران آن است که آینده چه خواهد شد در حالی که این حالت را می‌تواند با توکل بر خدا و پشتکار درمان کند.
- انسان افسرده چون در بعضی کارها ناکام شده است، نگران است که شاید در همه کارها به این سرنوشت مبتلا شود.
- این شخص چون بر افراد و قدرت‌های ناپایدار تکیه دارد، با تزلزل آن‌ها پریشان می‌شود.
- و خلاصه اموری همچون عدم قدردانی مردم از زحمت او، گناه، ترس از مرگ، تلقین‌های خانواده به اینکه نمی‌دانی و نمی‌توانی، داوری‌های شتاب زده، توقعات نابجا و تصوّرات نادرست، علت بسیاری از افسردگی‌ها و اضطراب‌ها می‌باشد که با یاد خدا و قدرت و عفو و لطف او می‌توان آن‌ها را درمان کرد. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۵۸)
- از سوی دیگر، خداوند متعال در آیه ۱۴، سوره طه، مصداق اتمّ و اکمل ذکر را نماز می‌داند و می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي». هر چند بنابر ادعای طبرسی (۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۰) بیشتر مفسران قرآن بر این باورند که منظور از جمله اخیر این است که هر وقت متذکر شدی که نمازی بر عهده داری، بخوان، خواه در وقت نماز باشی و خواه نباشی؛ و برای مدعای خود به روایت سعید بن مسیب استناد می‌کنند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هر کس نمازی را فراموش کرد، هر وقت به یاد آورد، باید آن را بخواند، چرا که خداوند می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۲۰)؛ اما برخی از مفسرین ظاهر معنای آیه را گرفته‌اند و گفته‌اند برای اینکه یاد خداوند کنی، نماز بخوان (ابن قتیبه، ص ۲۳۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۲۳۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص

۱۶۵؛ بنابراین تفسیر، نماز خواندن یکی از مصداق‌های ذکر خداست و شاید بتوان ادعا کرد که مصداق اتم ذکر خدا باشد.

بنابراین، نماز ارتباط صمیمانه‌ای است میان انسان و خدا و آرامش بخش دل‌های پریشان و خسته و مایه روشنی و صفای باطن است. به طور خلاصه: برپایی نماز برای یاد خداست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و یاد او موجب آرامش دل‌هاست: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

خودکشی

خودکشی انفرادی‌ترین تصمیم و پدیده در زندگی انسان است. خودکشی رفتار پیچیده‌ای است که تمایل و فکر خودکشی را تا اقدام به خودکشی منجر به مرگ در برمی‌گیرد.

ناپسندی خودکشی هم با آیات و هم با روایات ثابت می‌شود. برای نمونه، آیه ۳۳ سوره اسراء به نوعی دلالت بر حرمت خودکشی دارد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ هرگز نفس محترمی را که خداوند آن را محترم داشته و قتلش را حرام کرده، نکشید، مگر آنکه به حق [مستحق کشتن باشد].»

نکته مهم در مورد آیه فوق این است که عبارت «حرم الله» را هم می‌توان از ریشه «حرمت» و به معنای «حرام» معنی کرد، و هم می‌شود از ریشه «حرمت» و به معنای «احترام» دانست. به این ترتیب آیه فوق را می‌توان به دو صورت معنی کرد:

اول: نفسی را که خداوند ریختن خون او را حرام کرده نکشید.

دوم: نفسی را که خداوند او را محترم قرار داده نکشید. (آقایی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵)

نکته مهم دیگری که در آیه ۳۳ سوره اسراء قابل ذکر است کلمه «الا بالحق» است. «الا» از ادات استثناء بوده و به معنی «مگر اینکه» یا «مگر» می‌باشد. «بالحق» نیز ناظر به موارد قصاص یا حد است؛ یعنی مواردی که فرد، به حق مستحق کشتن است، مثل زنای محصنه یا قتل عمد. (آقایی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵) بر اساس عموم آیه فوق، کسی مجاز نیست نفسی که خداوند ریختن خونش را حرام

کرده یا آن را محترم شمرده است، بکشد. نفس انسان نسبت به خودش نیز محترم بوده و از نظر خداوند احترام دارد؛ بنابراین باید گفت، علاوه بر اینکه کشتن انسان‌های دیگر به ناحق حرام می‌باشد، خودکشی نیز حرام است؛ زیرا خودکشی یک عمل ناحق است. البته شبیه مضمون آیه ۳۳ سوره اسراء در آیه ۶۸ سوره فرقان هم آمده است که خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ نفس محترمی را که خداوند حرام کرده به قتل نمی‌رسانند مگر به حق.»

در مورد خودکشی روایات و حدیث‌های زیادی وجود دارد. برای نمونه: معاویه بن عمار از امام باقر (علیه السلام) روایت می‌کند که ایشان فرمود: «مومن ممکن است به هر نوع مرگی بمیرد، اما خودکشی نمی‌کند. پس کسی که بتواند خون خود را حفظ کند و با این وجود از قاتل خود جلوگیری نکند تا کشته شود، قاتل خود خواهد بود.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۲۴)

بر اساس آمارها بین ۲ تا ۷ درصد انسان‌های بالغ افسرده، جان خود را با خودکشی می‌گیرند (Richards, 2014, p. 254.) و بیش از ۶۰ درصد افرادی که با خودکشی جان خود را از دست می‌دهند، مبتلا به افسردگی حاد یا دیگر اختلالات خلقی می‌باشند. (Lynch, 2010, p. 453.)؛ بنابراین، می‌توان افسردگی را مهم‌ترین علت خودکشی دانست.

نتیجه‌گیری

قرآن کتاب هدایت بشر است «تبیاناً لكل شیء». این کتاب از برکات بزرگی است که خداوند با پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) به ما بخشیده تا ما بتوانیم در کارهایمان از آن الگو بگیریم. این کتاب مسائل زیادی از جمله هنجارها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را مطرح می‌کند. یکی از این ناهنجاری‌ها که مورد بحث ما قرار گرفت خودکشی است.

در این مقاله به دنبال این بودیم که ارتباط بین اکل مال به باطل و خودکشی را که خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء بیان کرده است به دست آوریم، و به این نتیجه رسیدیم یکی از پیامدهای اکل مال به باطل، کم اهمیت شدن نماز در نگاه انسان است. سبک شدن نماز در نگاه انسان، پریشانی و

افسردگی را به دنبال دارد و افسردگی یکی از مهم‌ترین عامل‌های خودکشی است؛ بنابراین، ارتباط بین اکل مال به باطل با خودکشی ثابت می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن
 - نهج الفصاحة
 - نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا يحضره الفقيه**، ۴جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
 ۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، ۱جلد، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
 ۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، **تفسیر غریب القرآن**، ۱ جلد، بیروت، دار و مکتبه الهلال، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
 ۴. آقایی، محمدعلی، **آیات الاحکام حقوقی (مدنی - کیفری)**، تهران، انتشارات خط سوم، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
 ۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، ۲جلد، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
 ۶. بروجردی، حسن، **جامع الأحادیث الشیعة**، قم، مدینه العلم، ۱۳۶۵ ش.
 ۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، ۱جلد، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
 ۸. خمینی، روح‌الله، **سر الصلاة**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹.

۹. رجایی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ۶ جلد، اربد، دار الكتاب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸ م.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا.
۱۳. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق
۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۰ جلد، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۵. قضاعی، محمد بن سلامه، شهاب الأخبار، قم، مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق بکری حیانی و الصفوة السقا، ۱۸ جلد، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ه.ق
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، الاعتقادات، قم، رسالت، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ۱۵ جلد، قم، مؤسسه دار الحدیث، ۱۴۳۷ ق.

۲۰. مسعودی، سید عباس، «آثار شوم مال و لقمه حرام»، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱،

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۱/۱۸)، <http://old.ido.ir/a.aspx?a=1391080804>

۲۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و تصحیح گروه

پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۸ جلد، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول،

۱۴۰۸ ه.ق.

22. Richards, C. Steven; O'Hara, Michael W. (2014). The Oxford Handbook of Depression and Comorbidity. Oxford University Press. p. 254.

23. Lynch, Virginia A; Duval, Janet Barber (2010). Forensic Nursing Science. Elsevier Health Sciences. p. 453.